یادداشت: بیست و دومین نمایشگاه بین المللی تهران جلوه گاه پیشرفت های اقتصادی ایران

بیست و دومین نمایشگاه بین المللی تهران،به معنی‏ واقعی کلمه،جلوگاه پیشرفتهای اقتصادی ایران بود.

در مورد این نمایشگاه می‏توان گفت:

"نگنجد گرچه‏ دنیائی به کنجی- جهانی،گوشه‏ای بنشسته دیدم‏"

.به‏ گفته ریاست جمهوری کشورمان،البته از سدهای بزرگ- راههای آهن-جاده‏های آسفالته-شبکه‏های عظیم‏ برق و گازرسانی،تاسیسات عظیم بیمارستانی و نظائر آن‏ در نمایشگاه نمی‏توانست اثری باشد،اما آنچه به معرض‏ نمایش گذاشته شده بود،برای آشنایان به ساختارهای‏ اقتصادی،نشانی از زیرساخت محکم اقتصادی کشور همراه داشت و با چشم خرد،می‏شد آنچه در نمایشگاه‏ عرضه آن ممکن نبود،مشاهده کرد.

54 کشور خارجی 1200 غرفه در نمایشگاه دائر کرده‏ بودند،غرفه‏هائی که در آنها نمونه‏های فراورده‏های‏ کشورهای شرکت‏کننده عرضه شده بود،نه مانند بسیاری‏ از سالها که فقط با عکس و اسلاید غرفه‏ها تزئینی می‏شد.

این حضور موثر هنگامی بیشتر جلوه‏گر می‏شود که بیاد بیاوریم امریکا ابتدا از همه کشورهای جهان خواسته بود به‏ تحریم اقتصادی ایران مبادرت کنند و سپس،چون جواب‏ مساعدی به درخواست خود نیافت،جهانی را تهدید به‏ مجازات کرده بود.کشورهای مختلف جهان با حضور هرچه‏ ثمربخش‏تر در این نمایشگاه و عرضه آخرین‏ فراورده‏های خود،نشان دادند که نه فقط زیر بار تهدیدات‏ امریکا نمی‏روند،بلکه برای ایران اسلامی،ارزشی والا قائل هستند.

حالا دیگر،در عمل،ایران یک کشور 60 میلیون نفری‏ نیست.در مرکز ارتباطات یک منطقه 300 میلیون نفری‏ قرار دارد.راهی هم برای دور زدن ایران وجود ندارد.

تجارت الکترونیکی( EDI )و عضویت در ادیفاکت آسیا ( ASEB )اگرچه در کار تجارت جهانی ایجاد تسهیلات‏ می‏کند و هزینه مکاتبات تجاری یا بهتر است گفته شود، هزینه مقدمات تجارت را پائین می‏آورد،اما نهایتا کالاها باید به شکل فیزیکی مبادله شوند و از مرزها بگذرند.

در این راه،ایران امسال،حتی ایران سال گذشته نیست.با افتتاح راه آهن ابریشم،ایران اینک در مرکز ارتباطات چند وسیله‏ای دنیا قرار دارد و بسیاری از کشورهای محصور در خشکی را به دریاهای آزاد و به کشورهای دیگر می‏پیوندد و بازرگانان آگاه جهان نمی‏توانند و نمی‏خواهند این امتیاز اساسی و اصولی را نادیده بگیرند.

معهذا اگر امتیاز ایران را محدود به همین موقعیت‏ ارتباطی بدانیم.به دیگر نکات مثبت ستم کرده‏ایم.

در منطقه‏ای که ما واقع شده‏ایم،ایران اسلامی با ثبات‏ترین و پایدارترین کشور و برخودار از امنیت و آرامش‏ است.یکایک کشورهای منطقه را ارزیابی کنید.مسائل و مشکلات روزمره و درگیریهای قومی و مرزی آنها را در نظر آورید،آن را با ایران اسلامی مقایسه کنید.با این امنیت و آرامش چرا ایران بمنزلهء پایگاه تجارت منطقه تلقی نشود؟

تبلیغات دنیای استکباری برای این‏که از کشور ما یک‏ چهره ناامن ترسیم کند،هر روز بی‏رنگ‏تر می‏شود.البته از تحریکات بیگانگان لحظه‏ای غافل نیستیم.این‏ تحریکات و تحظئه کردنها حتی روی نرم‏افزارهای‏ کامپیوتری(اعم از CD و FLAPY )به کامپیوترهای خانگی‏ در سراسر جهان راه یافته است.اما در برابر واقعیتها،تاثیر آنها هر روز کم‏رنگ‏تر می‏شود.حالا دنیا بخوبی می‏داند ایران نه افغانستان است،نه پاکستان،نه عراق، نه تاجیکستان،نه جمهوری آذربایجان،کشوری است امن‏ که علیرغم تحریم بزرگترین قدرت اقتصادی جهان،دارد برنامه‏های توسعه اقتصادی خود را به پیش می‏برد و در این راه تکیه‏اش بر نیروهای ملی است.

بیست و دومین نمایشگاه بین المللی تهران نشان داد که‏ محصولات ایرانی می‏تواند در برابر محصولات مشابه‏ خارجی عرض اندام کند و از نظر کمیت و کیفیت قابل‏ رقابت باشد.تنوع محصولات ایرانی در نمایشگاه به‏ اندازه‏ای بود که خیلی از ایرانیها نمی‏توانستند باور کنند این‏ فراورده‏ها در کشورشان ساخته می‏شود.

در اینجا برای اینکه غرور،ما را از پیشرفت باز ندارد، ناچاریم به بیان تذکراتی بپردازیم.

تولیدات ما هنوز از نظر اقتصاد حجم در حد مطلوب‏ نیست.هنوز بازارهای جهانی را جدی نگرفته‏ایم.هنوز اهمیت صادرات بصورت یک‏"باور ملی‏"درنیامده است.

نظام اداری ما در برخورد با مسأله تولید و صادرات بعنوان‏ یک امر اداری می‏نگرد که باید تشریفات آن بطور کامل‏ رعایت شود.اوراق متعدد باید تکمیل شود اگرچه فورا به‏ بایگانی راکد فرستاده شود و هرگز کسی آنها را نخواند.

بالاخره عده‏ای از طریق مطالبه همین اوراق و عده‏ای هم‏ از طریق بایگانی کردن آنها از دستگاه دولت و کیسه ملت‏ ازتراق می‏کنند.چرا نباید این تشریفات را به سوی‏ فعالیتهای مفید و سازنده راهبری کنیم؟حذف تشریفات‏ زائد یک گام مهم در سرعت بخشیدن به کار تولید و تجارت است.

از سوی دیگر ما هنوز به بازارهای داخل چسبیده‏ایم.از دولت گرفته تا تولیدکننده و حتی بازرگانان،روحیه نفوذ در بازارهای داخلی را بر ماجراجوئی در بازارهای بین المللی‏ ترجیح می‏دهند.اینست که بجز چند کالای معدود که‏ اخیرا بر رقم صادرات سنتی افزوده شده است،هنوز اقلام‏ عمده صادراتی غیرنفتی ما را همان کالاهای سنتی مانند فرش و پسته و خشکبار و تعدادی کالاهای کم‏اهمیت‏تر دیگر تشکیل می‏دهد.

ما هنوز جرات استقبال از خطر کردن و به بازارهای‏ جهانی هجوم بردن را پیدا نکرده‏ایم.در این راه هم بخش‏ خصوصی و هم بخش دولتی می‏باید تلاش بیشتری از خود نشان دهند.صندوق ضمانت صادرات باید"ریسکهای‏ حساب شده‏"را هر قدر هم بزرگ باشد،بپذیرد و وزارت‏ بازرگانی نباید تحت هیچ شرایطی راضی شود که بازارهای‏ به دست آمده در خارج از دست برود.اینکه کالائی از یک‏ طرف صادر شود و برای کشور سود بیاورد و از سوی دیگر کمبودها از بازارهای ارزانتر تهیه شود،یک جریان پیوسته‏ روزمره در تجارت جهانی محسوب می‏شود.بگذاریم‏ بازرگانان واردکننده کالای موردنظر خود را وارد کنند و صادرکنندگان هم کالای مورد علاقه خود را صادر نمایند.و هر دو از کار خود سود ببرند.

از طرف دیگر موسسه استاندارد باید بر استاندارد کالاها نظارتی فراگیر داشته باشد.اینکه فقط چند نمونه‏ نمایشگاهی آزمایش شود،جوابگو نیست.پاره‏ای از کالاها مانند لوازم برقی یا سیلندرهای گاز یا لوازم پزشکی‏ باید رقم به رقم آزمایش شوند و برای اینکار خط تولید باید استاندارد شود و این همان استاندارد معروف به ISO 9000 است،باضافه استانداردهای منشعب از آن.وقتی‏ خریدار خارجی لامپی می‏خرد که منفجر می‏شود یا ترانسفورماتوری خریداری می‏کند که به مجرد گرم شدن‏ لاک یا رنگ روی سیمهای آن ذوب می‏شود و اتصالی می‏ دهد و می‏سوزد،دیگر هرگز به سراغ محصولات کشور سازنده این قبیل کالاها نمی‏رود.اگر خودمان در کار خود سخت‏گیری کنیم بهتر است تا دیگران محصولات ما را مرجوع نمایند.داستانهای تاسف‏آوری از این مرجوعی‏ها در حجم عظیم داریم که به ملاحظاتی از ذکر خصوصیات و چگونگی آنها خودداری می‏کنیم.

به هر صورت امید است در نمایشگاه سال آینده باز هم‏ محصولات ایرانی،با کمیت و کیفیت و رقابت‏پذیری بیشتر عرضه شود.

و السلام.